



نیم نگاهی به

برخی از آثار ویتگنشتاین در زبان فارسی

در باب یقین (آلمانی، انگلیسی، فارسی) لودویگ ویتگنشتاین، ترجمه مالک حسینی، ویراست دوم، چاپ اول ۱۳۸۷، تهران، انتشارات هرمس، ۲۰۰۰ نسخه، ۳۸۰ ص.

در باب یقین یادداشت‌های یک سال و نیم آخر زندگی ویتگنشتاین است که درباره موضوعی واحد نگاشته شده است. این یادداشت‌ها حاصل اندیشه‌های ویتگنشتاین متأخر است که پس از مرگ او گردآوری شده و هیچ‌گاه از سوی خود او مورد بازنگری واقع نشده است. این اثر آخرین دیدگاه‌های معرفت‌شناختی ویتگنشتاین را دربرمی‌گیرد که در ۶۷۶ یادداشت کوتاه به ایده معرفت‌شناسی و نقد تفصیلی شکاکیت ج. ۱. مور می‌پردازد.

در باب یقین اثری سهل و ممتنع است که مطالب پیچیده را با زبانی ساده گفته است. ویتگنشتاین در این اثر حقیقتاً در حال یک تحقیق و تفحص است و درصدد نشان دادن درستی اندیشه خود نیست. او در این کتاب احوال یکسانی ندارد و اطمینان او به آنچه می‌گوید همه جا یکسان نیست؛ گاه مطلب را کاملاً روشن می‌بیند و گاه در تردید است. این یادداشت‌ها به گونه‌ای نیست که خواننده احساس کند که نویسنده خود را کسی می‌داند که رأی صحیح را در اختیار دارد، بلکه گاه پرسش‌های او واقعاً پرسش‌هایی است که پاسخ قطعی برای آنها ندارد. اما آنچه مهم است پاسخ پرسش نیست، بلکه آگاهی از مطرح بودن آن پرسش، بینشی ژرفتر نسبت به مسئله را پدید می‌آورد.

این یادداشت‌ها به هیچ روی به شیوه معمول کتاب‌های معرفت‌شناختی نگاشته و تنظیم نشده‌اند. مطالب کتاب هیچ ترتیب و نظم منطقی خاصی نیز ندارند و در واقع این کتاب کشکولی از اندیشه‌هایی است که پیرامون موضوع خاصی مطرح شده‌اند و این اندیشه‌ها کاملاً به هم مرتبطند و گاه چند بند پی‌درپی یک مطلب را ادامه می‌دهند، اما هیچ نظم و ترتیب خاصی بر آنها حکمفرما نیست. این اثر از استدلال‌ات صریحی که به نتایج معین منجر می‌شود شکل نگرفته، بلکه اظهارات آن جرقه‌های ذهنی گسسته‌ای هستند که به دنبال هم ردیف شده‌اند.

از مهم‌ترین ویژگی اثر حاضر که در واقع ویراست دوم آن به شمار می‌رود، سه زبانه بودن آن (آلمانی، انگلیسی



و فارسی) است. این امر به فارسی زبانان کمک می‌کند در کنار ترجمه، متن اصلی را نیز پیش رو داشته باشند و اگر هم با زبان آلمانی آشنا نیستند دست کم از امکان مقایسه ترجمه فارسی با ترجمه انگلیسی که از سوی دنیس پل و گ. ا. م. آنسکم صورت پذیرفته، بهره گیرند.

کتاب آبی، لودویگ ویتگنشتاین، ترجمه مالک حسینی، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۵، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۲۱ ص.

کتاب آبی درس‌های ویتگنشتاین در سال دانشگاهی ۱۹۳۳-۱۹۳۴ کمبریج است. او این درس‌ها را برای هفت تن از دانشجویان خود املا کرد و بعداً آنها را به حروف چاپی درآورد و در نسخه‌های محدود تکثیر کرد و به کسانی که خود می‌خواست داد. ویتگنشتاین این اثر را همچون یک کتاب یا حتی طرح اولیه یک کتاب نمی‌نگریست و نام کتاب آبی را نیز خود بر آن نگذاشته بود و چون نسخه‌های تکثیر شده را به جلد آبی‌رنگ درآورده بودند، به این نام شهرت یافته است. همچنان که درس‌های املا شده به دو تن از دانشجویانش در سال ۱۹۳۴-۱۹۳۵ به علتی مشابه به کتاب قهوه‌ای معروف شدند. کتاب‌های آبی و قهوه‌ای ارتباطی به هم ندارند و دو اثر مجزا به شمار می‌روند. کتاب قهوه‌ای را ویتگنشتاین مبنایی برای نوشتن یک کتاب قرار داد و حدود دوسوم آن را نیز بازنویسی کرد و سپس به این نتیجه رسید که تلاشش بی‌حاصل است. در واقع کتاب قهوه‌ای را می‌توان نخستین تحریر بخش اول تحقیقات فلسفی دانست. مترجم این اثر بر این باور است که ترجمه کتاب قهوه‌ای به زبان فارسی ضرورت و یا به عبارتی بهتر- اولویتی ندارد؛ زیرا فارسی‌زبانان علاقه‌مندی که ترجمه‌های قابل اعتماد از اثر اصلی ویتگنشتاین یعنی تحقیقات فلسفی را خوانده باشند، با نخواندن کتاب قهوه‌ای چیز مهمی از اندیشه‌های ویتگنشتاین را از دست نداده‌اند.

اهمیت کتاب آبی در این است که اگر بخواهیم از میان آثار خود ویتگنشتاین اثری را برای ورود به تفکر متأخر او نام ببریم، این اثر همانا کتاب آبی است. این کتاب مناسب‌ترین "درآمد" برای آشنایی مستقیم با روش نوین فلسفه‌ورزی ویتگنشتاین است.

در این کتاب نسبتاً کم حجم موضوعات مختلفی مطرح می‌شوند که به ویژه در حیطه فلسفه زبان و روان‌شناسی فلسفی جای می‌گیرند و بخش‌هایی از آن در بررسی اندیشه‌های ویتگنشتاین بسیار مورد ارجاع واقع می‌شوند. مترجم این اثر را از متن اصلی انگلیسی به فارسی برگردانده است و همزمان به ترجمه آلمانی آن نیز نظر داشته است.

گفتنی است از کتاب آبی ترجمه دیگری نیز به زبان فارسی همراه با کتاب قهوه‌ای منتشر شده است که در این معرفی بدان اشاره خواهد شد.

کتاب‌های آبی و قهوه‌ای، تمهیدات پژوهش‌های فلسفی، لودویگ ویتگنشتاین، ترجمه ایرج قانونی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، ۱۶۵۰ نسخه، ۳۱۲ ص.

این اثر دربرگیرنده ترجمه دو اثر از آثار ویتگنشتاین است: کتاب آبی و کتاب قهوه‌ای. کتاب آبی و قهوه‌ای در چاپ انگلیسی و آلمانی در پی هم و در یک مجلد و با مقدمه‌های راش رابز منتشر شده‌اند. ترجمه عنوان کامل این اثر چنین است: مطالعات مقدماتی برای تحقیقات فلسفی، معروف به کتاب‌های آبی و قهوه‌ای که مترجم این اثر عنوان کتاب‌های آبی و قهوه‌ای تمهیدات پژوهش‌های فلسفی را برای ترجمه خود برگزیده است. درباره کتاب قهوه‌ای باید گفت این اثر، همچون کتاب آبی، درس‌های ویتگنشتاین در سال دانشگاهی ۱۹۳۴-۱۹۳۵ است که به دو تن از شاگردانش به نام‌های فرانسیس اسکینر و آلیس امبروز املا کرده است و تنها تهیه چند نسخه محدود از آن را اجازه داده بود و چون نسخه‌های تکثیر شده با جلد قهوه‌ای بودند، این اثر به نام کتاب قهوه‌ای شهرت پیدا کرد.

مترجم این اثر، مقدمه رابز- و یا بنا به نوشته او رابز- را نیز به فارسی ترجمه کرده و در آغاز کتاب پس از مقدمه خود آورده است. رابز در مقدمه خود به تفاوت‌های کتاب آبی و کتاب قهوه‌ای اشاره می‌کند و درباره کتاب قهوه‌ای می‌نویسد: ویتگنشتاین تا مدت‌ها کتاب قهوه‌ای را طرحی مقدماتی از چیزی می‌دانست که باید چاپ کند و از همین رو بیش از یک بار به تجدید نظر در متن آلمانی آن مبادرت ورزید، ولی در نهایت تلاش خود را برای تجدید نظر کاملاً بی‌ارزش توصیف می‌کند.

تأکید ویتگنشتاین در کتاب قهوه‌ای بر آن است که یادگیری یک بازی زبانی چیزی است مقدم بر آن. او در



کتاب قهوه‌ای به طور مثال بر این نکته پای می‌فشارد که "فهم" چیز واحدی نیست، بلکه به اندازه خود بازی‌های زبانی متنوع است. همین امر می‌تواند دلیل این ادعا باشد که وقتی بازی‌های زبانی گوناگون را به نظر می‌آوریم، به بخش یا بخش‌های محتمل هیچ نظام زبانی عامی نظر نداریم. شرح بازی‌های زبانی گوناگون در کتاب قهوه‌ای مستقیماً بحثی دربارهٔ معضلات خاص فلسفی نیست، هر چند که درصدد روشن ساختن آن‌هاست و این روشنگری نسبت به جنبه‌های مختلف زبان صورت می‌گیرد.

ویتگنشتاین در پژوهش‌های فلسفی و نیز در کتاب قهوه‌ای بازی‌های زبانی را مورد توجه قرار می‌دهد تا مسئلهٔ رابطهٔ میان کلمات و مدلول آنها را روشن سازد.

برگه‌ها، لودویگ ویتگنشتاین، ترجمهٔ مالک حسینی، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۴، ۳۰۰+ نسخه، ۱۸۸ ص.

ویتگنشتاین قطعه‌های گوناگون از نوشته‌های ماشین شده، بریده و در جعبه‌ای حفظ کرده بود. این قطعه‌ها از نوشته‌هایی بریده شده است که از بیشتر آنها هنوز نسخه‌هایی موجود است و شماری از آنها نیز از نوشته‌هایی هستند که دیگر نمی‌توان از آنها نشانی به دست داد و احتمالاً ویتگنشتاین خود آنها را از بین برده است. افزون بر این نوشته‌ها در جعبهٔ یاد شده قطعه‌های دست‌نوشته هم بود که ظاهراً تکمله‌هایی هستند بر موضوعاتی که در دیگر برگه‌ها به آنها پرداخته شده است.

این قطعه‌ها مربوط به سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۸ است، اما بیشتر آنها نوشته‌های ماشین شده‌ای هستند که در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ دیکته شده‌اند.

بیشتر قطعه‌های مربوط به یک موضوع، به هم بسته شده بودند، اما شمار زیادی از برگه‌ها نیز رها در جعبه قرار داشتند. چند سالی پیش پیتربگیش این مطالب را مرتب کرد. او قطعه‌هایی به هم بسته را کنار هم گذاشت و به علاوه قطعه‌ها را تا آنجا که می‌توانست مطابق موضوعشان گروه بندی کرد. ویراستاران کتاب، گ. ا. م. آنسکوم و گ. ه. فون رایت، این ترتیب را به غیر از چند تغییر کوچک حفظ کرده‌اند. ترتیب قطعات به گونه‌ای است بسیار متفاوت با آنچه که ویتگنشتاین خود در مورد «نکته» هایش اعمال می‌کرد، اما به نظر ویراستاران با چنین ترتیبی حاصل کار گزیده‌ای بسیار خواندنی و آموزنده شده است.

ویراستاران بر این باورند که این جعبه حاوی یادداشت‌هایی است که ویتگنشتاین آنها را به طور خاص قابل استفاده دانسته و به این قصد نگه‌داشته است تا در مواضع مناسب کارهای تمام شده جایشان دهد، اما حال آشکار است که بخشی از روش کار او این بود که از انبوه چیزهایی که می‌نوشت قطعه‌های کوتاه و مستقل را که به نظرش نسبتاً رضایت‌بخش بودند، انتخاب و گروه‌بندی می‌کرد.

رسالهٔ منطقی - فلسفی، لودویگ ویتگنشتاین، پارسی از: دکتر م. ش. ادیب سلطانی، ویراست دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۱۷ ص + ۸۶ ص.

ویتگنشتاین تصنیف رسالهٔ منطقی - فلسفی را به سال ۱۹۱۸ به پایان رسانید. این اثر نخست به سال ۱۹۲۱ در یک مجلهٔ آلمانی انتشار یافت. سپس در انگلستان همراه با ترجمهٔ انگلیسی آن به وسیلهٔ آگدن و رمزی و با درآمد یا مقدمه‌ای از برتراند راسل، فیلسوف انگلیسی در سال ۱۹۲۲ بیرون آمد.

رسالهٔ منطقی - فلسفی از آثار ویتگنشتاین متقدم است و تأثیر آن بر فلسفهٔ سدهٔ بیستم تقریباً از هر کتاب دیگری بیشتر بوده است. این رسالهٔ کوتاه در واقع مجموعه‌ای از عبارات و جملات کوتاه است که درک معنی آن بسیار دشوار است و چنانکه گفته شده ویتگنشتاین درآمد برتراند راسل را برای این رساله نپسندیده است. این رساله دارای هفت قضیهٔ کلی و نیز متشکل بر شرح‌هایی است که ذیل آن قضا یا آمده است.

ویتگنشتاین در این رساله با بنیاد نهادن روشی تازه در تحلیل زبان بر آن است تا بگوید طرح مسائل فلسفی بر پایهٔ بدفهمی از منطق زبان خودمان است. زیرا به عقیدهٔ او مسائل متافیزیک تنها نتیجهٔ بدفهمی ما از زبان و کاربرد نادرست جمله‌های زبان دربارهٔ مفاهیم و چیزهایی است که بیرون از مرزهای آن جا دارند. به دیگر سخن منطق زبان تنها می‌تواند از چیزهای معین و دربارهٔ مفاهیم معین سخن گوید، درحالی‌که مسائل متافیزیک بیرون از مرزهای زبان‌اند و بدین‌سان به پهنهٔ چیزهای ناگفتنی یا بر زبان نیامدنی تعلق دارند. بر این پایه ویتگنشتاین معتقد است که مرزهای زبان ما همان مرزهای جهان ما هستند. یا به تعبیری دیگر جهان تا آن اندازه و تا جایی وجود دارد که می‌تواند در قالب زبان ما گنجانیده شود.



ترجمه فارسی رساله منطقی - فلسفی بر پایه سه متن آلمانی ترجمه‌های انگلیسی، فرانسوی و عربی صورت پذیرفته است و مترجم علاوه بر این بر برخی آثار و ترجمه‌های دیگر نیز نظر افکنده است. این ترجمه همچنین دارای واژه‌نامه‌ای چهار زبانه (آلمانی، انگلیسی، فرانسه و فارسی) و فهرست راهنمای برای واژگان هریک از این چهار زبان است. گفتنی است از رساله منطقی - فلسفی ترجمه دیگری به قلم دکتر محمود عبادیان در سال ۱۳۶۹ ش از سوی انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران همراه با مقدمه‌ای کوتاه از مسعود رضوی منتشر شده است.

درباره رنگها، لودویگ ویتگنشتاین، ترجمه لیلی گلستان، با پی‌گفتاری از بابک احمدی، تهران، نشر مرکز، چاپ ششم ۱۳۸۶، ۱۸۰۰ نسخه، ۱۷۵ ص.

کتاب درباره رنگها یکی از آخرین نوشته‌های ویتگنشتاین است. این اثر مجموعه‌ای از اشارات پراکنده به فلسفه، زبان، نقاشی و رنگهاست که از سایر آثار او کمتر شناخته شده و به ندرت به صورت مستقل مورد بحث قرار گرفته است. آن را همچون یادداشت‌هایی در حاشیه کار ناتمام دیگرش در باب یقین شناسانده‌اند که بسیار شناخته و ستایش شده و درباره‌اش چه بحث‌ها کرده‌اند. اشارات پراکنده و نامنظم این کتاب تاحدودی در پرتو مفاهیم آثار دوره دوم کار فکری ویتگنشتاین قابل شناسایی است. اشارات درباره رنگها همچون اشاراتی که در کتاب فرهنگ و ارزش گردآوری شده‌اند از جنبه‌های دیگر کار فکری، علمی و هنری فیلسوف خبر می‌دهد و سرشار از نکته‌های بدیع هستند که خواننده می‌تواند حتی به صورت مستقل و رها از دانسته‌هایش در مورد کار فلسفی نویسنده به آنها بیندیشد.

ویتگنشتاین می‌گوید: «رنگها انگیزش‌هایی برای فلسفیدن هستند. شاید همین توضیحی باشد بر شور گوته برای نظریه رنگها. چنین می‌نماید که رنگها ما را با یک معما روبرو می‌کنند، معمایی که ما را برمی‌انگیزد، نه معمایی که ما را خشمگین می‌کند».

بیشتر افراد بینا در میان رنگها و به یاری رنگها زندگی و کار می‌کنند و می‌اندیشند. بدانند یا نه، بخواهند یا نه، نظامی از رنگها و کارکردهای رنگها و منطقی رنگین یعنی نمادگرایی رنگها فکر و ذکر آنها را به خود مشغول می‌کند. شناسایی بدون رنگ ممکن نیست. رنگها درست یا غلط سرچشمه یا انگیزه برخی احساسات و پاسخ‌های حسی، روانی و حتی شناختی محسوب می‌شوند.

ویتگنشتاین می‌پرسد آیا ما فقط بر اساس ادراک حسی و بینایی خویش رنگها را می‌شناسیم و از هم تمیز می‌دهیم، یا رنگها شکل‌گرفته در نظامی منطقی و اجتماعی وابسته به کار و فعالیت و شکل زندگی ما پیش از هر چیز تعیین‌های واقعی اجتماعی‌اند؟ آیا همگان رنگها را یکسان می‌بینند و دریافت و تأویل می‌کنند؟ آیا رنگها در نظام‌های متفاوتی از نمادها در فرهنگ‌های گوناگون جای نمی‌گیرند و به یاری آنها بازشناخته یا تأویل نمی‌شوند؟

پژوهش‌های فلسفی، لودویگ ویتگنشتاین، ترجمه فریدون فاطمی، با درآمدی از بابک احمدی، تهران، نشر مرکز، چاپ چهارم ۱۳۸۷، ۱۲۰۰ نسخه، ۴۳۸ ص.

پژوهش‌های فلسفی به تصدیق بسیاری از صاحب‌نظران یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین آثار فلسفی سده بیستم است. این اثر که حاصل ژرف‌اندیشی‌های فلسفی ویتگنشتاین در سال‌های ۱۹۲۵ تا سال‌های پایانی عمر اوست، بسیاری از مفاهیم و دیدگاه‌های تثبیت شده فلسفی و حتی دیدگاه‌های خود او را زیر سؤال برد و آماج نقد و تحلیل ساخت.

او در این اثر به مسائل مهمی چون مفهوم معنا، گزاره، منطقی، حالت‌های آگاهی و بسیاری عنوان‌های دیگر با نگاهی متفاوت نگرست و بر شیوه نگرش زمانه ما به فلسفه تأثیری تحول‌آفرین نهاد.

پژوهش‌های فلسفی دو سال پس از مرگ ویتگنشتاین به چاپ رسید. وی در زمان حیات خود دست کم دو بار در آستانه انتشار کتاب از ادامه کار منصرف شد. کتاب از یک پیشگفتار کوتاه - که در سال ۱۹۳۸ نوشته و در ۱۹۴۵ روزآمد شد - و از دو بخش شکل گرفته است. بخش نخست در پایان سال ۱۹۴۵ تمام شد و بخش دوم در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ نوشته شد. آنچه بخش دوم شناخته می‌شود در نتیجه تصمیم ویراستاران کتاب (انسکومی، فون رایت، ریس) به متن بخش نخست افزوده شده و ما دلیلی در دست نداریم که بگوییم این تصمیم خود نویسنده بوده است. در واقع بخش نخست از هر جهت کتاب کاملی است. نکته اینجاست که پیشگفتار فقط ناظر به بخش نخست است و ویتگنشتاین پس از نگارش آنچه به بخش دوم مشهور شده لازم ندیده بود که دیگر



تغییری در متن پیشگفتار ایجاد کند.

در پژوهش‌های فلسفی همچون رساله منطقی - فلسفی ماهیت زبان به منزله یکی از مهمترین پرسش‌ها مطرح است. اما در پژوهش‌ها رابطه زبان با اندیشه و موقعیت ذهنی هم برجسته می‌شود. همچنین در این اثر رابطه گزاره‌ها و تصویرهای ذهنی مطرح است، اما این بار به شکلی انتقادی. پژوهش‌های فلسفی از بسیاری جهات درون‌مایه‌های رساله منطقی - فلسفی را تعالی بخشید. یکی از مهمترین آنها کوشش در معرفی رسالت فلسفه بود. در این اثر نشان داده شد که فلسفه را نمی‌توان یکی از شاخه‌های درونی مقوله شناخت انسانی دانست. کتاب اعلام کرد که گزاره‌های تبیینی و توضیحی در فلسفه جایی ندارند. فلسفه از روش‌های قدیمی علم هیچ سودی نمی‌برد و ما هم نباید آن را با علم یکی بدانیم یا در یک رده قرار دهیم.

پژوهش‌های فلسفی نمونه عالی یک متن سهل و ممتنع است. کتاب به ظاهر از جمله‌های ساده و آسان و بیشتر کوتاه شکل گرفته است. جمله‌ها همخوان با دستور زبان و بندها کوتاه و روشن می‌نمایند، اما زمانی با دشواری آن آشنا می‌شویم که به راستی بخواهیم لحن آن را به زبانی دیگر برگردانیم یا از جمله‌ای که خواننده‌ایم معنا یا تأویلی فراهم آوریم و آن را به بیانی دیگر یا در عبارتی تازه بیان کنیم. کتاب دشوار است چون نویسنده‌اش به عمد خواسته که بسیاری چیزها را مبهم گذارد، آشکارا نه به این دلیل که با خواننده بازی کند یا آزارش دهد، بلکه به این دلیل که درون‌مایه مرکزی و آغازین کتاب یعنی زبان پنهان‌گر و معمایی است.

پژوهش‌های فلسفی از دو بخش شکل گرفته است که حجم بخش نخست حدود سه برابر بخش دوم است. بخش نخست دارای ۶۹۳ بند است و بخش دوم از ۱۴ فصل کوتاه ساخته شده که آنها نیز از بندهایی شکل گرفته‌اند، اما این بندها شماره ندارند و فقط با یک سطر از هم جدا شده‌اند. بخش دوم بیشتر متوجه نسبت زبان با فهم و تخیل است، اما بخش نخست گرد مسئله مرکزی گوهر زبان می‌گردد و بر خلاف آنچه مشهور شده مطالب بخش نخست پراکنده نیستند و دارای نظمی درونی و حتی می‌توان گفت دقیق هستند. در پایان این اثر فهرست راهنما و واژه‌نامه فارسی، انگلیسی/ آلمانی گنجانده شده است که می‌تواند برای بازیابی مفاهیم و اصطلاحات ویژه به کار رفته در متن سودمند باشد.

فرهنگ و ارزش، لودویگ ویتگنشتاین، ترجمه از متن آلمانی امید مهرگان، تهران، گام نو، چاپ سوم ۱۳۸۷، ۱۱۰۰ نسخه، ۱۸۸ ص.

این اثر از حیات روحی ویتگنشتاین در مقام انسان - فیلسوف چشم‌انداز بدیعی به دست می‌دهد و سیر دغدغه‌ها و دردها و درمان‌های گاه به گاه او را در زندگی از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۵۱ یعنی سالی که درگذشت، آشکار می‌سازد. روح حاکم بر این نوشته‌ها روح جست‌وجو، پرسش و شک و ایمان است. این کتاب می‌تواند سوبه‌های درگیری عمیق ویتگنشتاین را با زبان، به مثابه آنچه آدمی در تمامی رفتارهای بشری، ملموس‌ترین واقعیت را تشکیل می‌دهد، بنمایاند. از سوی دیگر در این نوشته‌ها طرح سیمای انسان غیر عقلانی کامل‌تر می‌شود، انسانی که روش‌های علمی و تفکر موقوف به اصل علیت، قادر به رفع درماندگی او در برابر وسوسه امر مطلق نیست.

فرهنگ و ارزش در واقع گزیده‌ای است از دست‌نوشته‌های ویتگنشتاین که پس از مرگ او از سوی فون رایت گزینش شده و نخست به انگلیسی با ترجمه پیتر وینچ منتشر شده است. ترجمه فارسی این اثر نیز بر مبنای ویرایش دوم متن اصلی آلمانی و مقابله با ترجمه انگلیسی آن صورت پذیرفته است.

فون رایت، گردآورنده این اثر در پیشگفتار خود به چگونگی و شیوه تنظیم این دست‌نوشته‌ها اشاره کرده است. وی می‌نویسد: در میراث دست‌نویس ویتگنشتاین غالباً یادداشت‌هایی به چشم می‌خورد که به‌رغم پراکندگیشان در میان نوشته‌های فلسفی، در زمره آثار فلسفی قرار نمی‌گیرند. برخی از این یادداشت‌ها در حکم زندگینامه خود نوشته‌اند. برخی مربوط به سرشت فعالیت فلسفی می‌شوند و برخی دیگر به موضوعات عام نظیر پرسش‌های هنر و دین می‌پردازند ... برخی از این یادداشت‌ها گذرا ولی بیشتر آنها دارای گیرایی زیادی هستند و گاهی از زیبایی و ژرفای چشمگیری برخوردارند... در این مجموعه یادداشت‌های کاملاً شخصی کنار گذاشته شده‌اند، یعنی یادداشت‌هایی که ویتگنشتاین در آنها درباره شرایط بیرونی زندگی، حالات ذهنی و روابطش با دیگران گزارش می‌دهد. سایر نوشته‌های او به ترتیب سال نگارش در این مجموعه گرد آمده‌اند و تقریباً نیمی از این نوشته‌ها محصول دوره پس از به پایان رسیدن بخش نخست پژوهش‌های فلسفی (۱۹۴۵) است.

گردآورنده بر این باور است که فهم این نوشته‌ها تنها در پس‌زمینه فلسفه ویتگنشتاین امکان‌پذیر است و از طرفی دیگر این نوشته‌ها نیز خود برای فهم بهتر فلسفه ویتگنشتاین حائز اهمیت است.

